

به نام پروردگاریت

تاریخ معاونت پژوهشی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(۱۳۶۰-۱۳۹۸)

بهزاد اصغری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

تاریخ معاونت پژوهشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۶۰-۱۳۹۸)

مؤلف: بهزاد اصغری

ویراستار علمی و مقدمه: علیرضا ملائی توانی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: اصغری، بهزاد، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۳۶۰ - ۱۳۹۸) بهزاد اصغری؛ ویراستار علمی و مقدمه علیرضا ملائی توانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۱ص: جدول.

شابک: 978-622-7689-13-6

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۱۹] - ۳۲۱.

موضوع: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. معاونت پژوهشی -- تاریخ

موضوع: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی -- فعالیت‌های پژوهشی

موضوع: *Research activities -- Institute for Humanities and Cultural Studies

موضوع: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی -- کارمندان و کارکنان

موضوع: Institute for Humanities and Cultural Studies -- Officials and

employees

شناسه افزوده: ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۴۹ -، ویراستار

رده بندی کنگره: LGR۲۱۴۶

رده بندی دیویی: ۳۷۸/۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۲۹۲۲۸

وضعیت رکورد: فیپا

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
فصل اول: دوره سرپرستی مؤسسه احمد فخاری - مهدی حجت ۱۳۶۰ - ۱۳۶۲	
۱۷	مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال‌های آغازین پس از انقلاب
۲۰	معاونت پژوهشی در ساختار پژوهشگاه
۲۵	اساسنامه و ساختار
۲۶	اساسنامه اول و دوم مؤسسه
۳۰	نخستین گام‌ها در مسیر ساماندهی طرح‌های پژوهشی مؤسسه
۳۵	ساماندهی منابع انسانی و بخش‌های پژوهشی مؤسسه
۳۷	ساختار و وظایف معاونت پژوهشی و نحوه مدیریت طرح‌های جاری
۴۱	سامان‌دهی امورات اعضای هیئت علمی
فصل دوم: ریاست دکتر محمود بروجردی (۱۳۶۳ - ۱۳۷۰)	
۴۴	انتصاب دکتر محمود بروجردی به ریاست مؤسسه
۴۷	گونه‌شناسی طرح‌های پژوهشی و سازوکار اجرایی آن‌ها
۵۷	برنامه‌های علمی و ترویج دانش
۶۱	فرصت‌های مطالعاتی
۶۲	تشکیل شورای پژوهشی

۴ تاریخ معاونت پژوهشی پژوهشگاه ...

۶۷	تغییر ساختار و جهت‌گیری مؤسسه؛ تأسیس پژوهشگاه‌ها
۷۰	ساختار جدید معاونت پژوهشی
۷۲	ساماندهی پژوهشگاه‌ها
۷۴	شکل‌گیری بخش آموزش مؤسسه
۷۷	کمیته انتصاب و ترفیع

فصل سوم: ریاست دکتر نسرین حکمی (۱۳۷۰-۱۳۷۲)

۷۹	انتصاب دکتر نسرین حکمی به ریاست پژوهشگاه
۸۲	احیای شورای پژوهشی و انتخاب معاون تحقیقاتی (پژوهشی)
۸۵	ساماندهی طرح‌های پژوهشی
۸۷	شورای پژوهشی، سیاست‌گذاری و تدوین آئین‌نامه‌های مورد نیاز
۹۰	مستندسازی فعالیت‌ها
۹۱	فرصت‌های مطالعاتی و ترویج دانش
۹۳	بخش آموزش و جای‌یابی آن در ساختار مؤسسه
۹۵	رایانشی کردن فعالیت‌ها
۹۵	کمیته انتصاب و ترفیع

فصل چهارم: ریاست دکتر مهدی گلشنی (۱۳۷۲-۱۳۸۸)

۹۶	انتصاب دکتر مهدی گلشنی به ریاست پژوهشگاه
۱۰۰	اهداف، وظایف و چشم‌اندازهای پژوهشگاه ۱۳۷۲-۱۳۸۲
۱۰۱	وظایف و اختیارات معاونت پژوهشی
۱۰۵	ساختار سازمانی مدیریت تحصیلات تکمیلی
۱۰۷	مرکز اطلاعات پژوهشی و خدمات ماشینی ۱۳۷۲-۱۳۸۲
۱۰۹	شکل‌گیری مدیریت همکاری‌های علمی و بین‌المللی ۱۳۷۲-۱۳۸۲
۱۱۱	قرارگرفتن مدیریت کتابخانه‌ها در ساختار معاونت پژوهشی
۱۱۴	تغییر نام مؤسسه به پژوهشگاه و گسترش پژوهشگاه‌ها و گروه‌های پژوهشی

فهرست ۵

- ۱۱۵ شرح وظایف اعضای هیئت علمی
- ۱۱۷ توسعه شورای پژوهشی
- ۱۱۸ نظام‌مندسازی طرح‌های بلندمدت
- ۱۱۹ تفکیک شورای انتشارات از شورای پژوهشی
- ۱۲۰ آغازگزارش‌گیری منظم، ارزیابی و مستندسازی فعالیت اعضای هیئت علمی
- ۱۲۱ تعیین حق‌التحقیق اعضای هیئت علمی
- ۱۲۲ انتصاب مدیر پژوهشی
- ۱۲۵ رکود شورای پژوهشی
- ۱۲۷ ساماندهی وظایف اعضای هیئت علمی
- ۱۲۸ توسعه و شکل‌گیری نهایی تحصیلات تکمیلی
- ۱۳۰ عملکرد پژوهشی
- ۱۴۱ شورای نظارت و ارزیابی طرح‌های پژوهشی و مسئله تاخیر انجام طرح‌های پژوهشی
- ۱۴۳ آغاز برگزاری هفته پژوهش
- ۱۴۳ انتصاب معاون پژوهشی
- ۱۴۵ همایش‌ها و برنامه‌های علمی
- ۱۴۵ اولین تلاش جهت تدوین برنامه راهبردی
- ۱۴۶ شورای پژوهشی و تدوین برنامه چهارساله پژوهشکده‌ها
- ۱۴۸ توجه مجدد به طرح‌های کارفرمایی و ترویجی سازی دانش
- ۱۵۰ اولین تجربه ایجاد شورای معاونت پژوهشی
- ۱۵۱ نمودار سازمانی معاونت پژوهشی سال ۱۳۸۲
- ۱۵۴ مستندسازی و ارزیابی فعالیت‌ها
- ۱۵۴ تلاش مجدد جهت نظارت بر طرح‌های پژوهشی
- ۱۵۵ شکل‌گیری شورای ویژه طرح‌های پژوهشی
- ۱۵۹ تدوین استراتژی و رونق شورای پژوهشی
- ۱۷۰ نخستین تجربه تشکیل کمیسیون‌های پژوهشی
- ۱۷۱ سیاست تشویق مقالات

۶ تاریخ معاونت پژوهشی پژوهشگاه ...

۱۷۲	تعیین شاخص‌های ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی
۱۷۴	توانمندسازی اعضای هیئت علمی
	فصل پنجم: ریاست دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی (۱۳۸۸-۱۳۹۲)
۱۷۸	انتصاب دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی به ریاست پژوهشگاه
۱۸۰	ایجاد کمیته‌ها و دفترهای جدید در معاونت پژوهشی
۱۸۱	تدوین آیین‌نامه و فرم‌های فعالیت‌های علمی
۱۸۵	افزایش سرانه طرح‌های پژوهشی
۱۸۶	احیای شورای معاونت پژوهشی
۱۸۹	تلاش برای تدوین برنامه راهبردی پژوهشگاه
۱۹۱	راه‌اندازی پرتال جامع علوم انسانی
۱۹۲	توسعه نشریات پژوهشگاه
۱۹۴	کاربردی سازی طرح‌های پژوهشی
۱۹۴	دیجیتالی کردن اسناد
۱۹۵	ایجاد دوره دکتری پژوهش محور
۱۹۶	تأسیس شعبه‌های پژوهشگاه
۱۹۶	تعاملات بین دستگاهی و ترویج دانش
۱۹۸	شورای طرح‌های کلان پژوهشگاه
۱۹۸	شورای پژوهشی
۲۰۳	تقاضا محور کردن طرح‌ها
۲۰۴	واگذاری مسئولیت به پژوهشکده‌ها
۲۰۵	شکل‌گیری شورای گزنت
۲۱۰	ساختار سازمانی
۲۱۲	تغییر ساختار معاونت پژوهشی
۲۱۵	مدیریت پژوهشی در ساختار جدید
۲۱۹	ارتقای بخش آموزش به مدیریت امور آموزش‌های تخصصی و تحصیلات تکمیلی

فهرست ۷

- ۲۲۱ مدیریت کتابخانه‌ها
۲۲۲ اضافه شدن مدیریت نشر و ویرایش به مجموعه معاونت پژوهشی
۲۲۴ کمیته منتخب ترفیع

فصل ششم: ریاست دکتر صادق آئینه‌وند (۱۳۹۲-۱۳۹۴)

- ۲۲۵ انتصاب دکتر صادق آئینه‌وند به ریاست پژوهشگاه
۲۲۸ تغییر ساختار معاونت و تأسیس مدیریت آموزش‌های کاربردی و تخصصی آزاد
۲۲۹ تأسیس دفتر امور هیئت علمی پژوهشگاه
۲۳۲ تأسیس دفتر کرسی‌های مناظره، نقد، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی
۲۳۴ تأسیس دفتر قطب‌های علمی پژوهشگاه
۲۳۵ تدوین برنامه راهبردی
۲۳۶ تأسیس شورای راهبردی، نظارت و ارزیابی عملکرد پژوهشگاه
۲۴۰ شورای معاونت پژوهشی
۲۴۲ شورای پژوهشی
۲۴۷ تأسیس پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی کاربردی
۲۴۸ ساماندهی امورات اعضای هیئت علمی

فصل هفتم: ریاست دکتر حسینعلی قبادی (۱۳۹۴-۱۳۹۸)

- ۲۵۴ انتصاب دکتر حسینعلی قبادی به ریاست پژوهشگاه
۲۵۶ اجرای برنامه راهبردی
۲۵۷ جشن پنجاه‌سالگی پژوهشگاه
۲۵۸ عملکرد پژوهشی
۲۵۹ شورای پژوهشی
۲۶۱ طرح جامع اعتلا و ساماندهی علوم انسانی معطوف به نقش آفرینی آن
۲۶۵ ایجاد کمیته استمهال و داوری
۲۶۸ دفتر امورات اعضای هیئت علمی

۸ تاریخ معاونت پژوهشی پژوهشگاه ...

۲۶۹	قطب‌های علمی
۲۷۰	کرسی‌های مناظره، نقد، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی
۲۷۳	احیای شورای معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی
۲۷۵	ساماندهی امور ترفیع اعضای هیئت علمی
۲۷۸	عملکرد کمیته گزینش
۲۸۱	معاونت پژوهشی
۲۸۲	طرح تراز بین‌الملل و گشایش روابط بین‌المللی در حوزه دانش
۲۸۶	تفاهم‌نامه‌ها و همکاری‌های علمی
۲۸۷	تلاش مجدد جهت استفاده از ظرفیت کارشناسان
۲۸۸	تأسیس مرکز رشد و نوآوری
۲۸۹	تدوین آئین‌نامه‌ها
۲۹۲	احیای کمیسیون‌های شورای پژوهشی
۲۹۶	هفته پژوهش
۳۰۰	سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات پژوهشی (سیمپ)
۳۰۲	طرح‌های غیرموظف
۳۰۳	تغییر ساختار و تصویب اساسنامه جدید
۳۰۵	شورای پژوهشی و اقدامات آن
۳۰۷	طرح‌های کلان ملی و افزایش سطح کیفی فعالیت‌های پژوهشی
۳۰۸	تشویق جهت افزایش تولیدات علمی
۳۰۹	اصلاح فرایند انجام پژوهش و تدوین نظام‌نامه پژوهشی
۳۱۳	مدیریت پژوهشی
۳۱۳	ایجاد شورای طرح‌های کاربردی
۳۱۵	پیوست‌ها
۳۱۹	منتخب منابع و مآخذ

پیشگفتار

تاریخ نهادها، مؤسسات و سازمان‌ها و به‌خصوص نهادهای آموزشی و پژوهشی حوزه‌ای است که در نظام تاریخ‌نگاری ایران کمتر به آن توجه شده است. البته در این میان آثاری پدید آمده‌اند که علی‌رغم اینکه تک‌نگاری در مورد تاریخ نهادهای علمی نیستند اما به تاریخ آموزش عالی در ایران توجه داشته‌اند. آثاری نیز در این حوزه به چاپ رسیده است که با روایتی مختصر از تاریخ نهادهای دانشگاهی ارائه کرده‌اند و یا صرفاً به ارائه اسناد در این حوزه بسنده کرده‌اند.^۱ در این میان آثار معدود درخشانی نیز در این حوزه به چاپ رسیده است که محصول بینش علمی محققین است و به‌صورت قله‌هایی مجزا باقی مانده‌اند. آثار دکتر مقصود فراستخواه در حوزه مطالعات دانشگاهی از جمله این آثار است که به تاریخ مؤسسات علمی اشاره دارد؛^۲ فراستخواه به‌صورت

۱. برای دیدن نمونه‌هایی، رک: انتظاری، یعقوب (۱۳۸۹)، شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. مرزبان، رضا (۱۳۵۵)، آموزش عالی در ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران. سیر تحول تاریخی مؤسسات آموزش عالی در ایران: اساسنامه‌های مراکز آموزش عالی (۱۳۶۱)، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی. صدری افشار، غلامحسین (۱۳۵۰)، سرگذشت سازمان‌ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران، تهران: وزارت علوم و آموزش عالی. حسنی، عطاءالله، اسنادی از دانشگاه ملی ایران (به مناسبت چهلمین سال تاسیس دانشگاه شهید بهشتی)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲. رک: فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶)، گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران: مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه، تهران: نشر آگاه. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷)، تاریخ دانشگاه در ایران، به کوشش و تدوین نسرین اصغرزاده؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی ←

تک‌نگاشت نیز به تاریخ نهادها و مؤسسات آموزشی توجه کرده است و تاریخ دانشکده فنی دانشگاه تهران را در این حوزه به نگارش در آورده است.^۱ بی‌گمان آثار فراستخواه از آثار ارزشمند این حوزه مطالعاتی است که راه را برای مطالعات بیشتر برای محققین دیگر روشن ساخته است.

اثر حاضر بخشی از طرح جامعی است که با نام تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تدوین شده و مجلداتی از آن نیز به چاپ رسیده است. در این اثر تاریخ معاونت پژوهشی پژوهشگاه از زمان شکل‌یابی این نهاد پس از انقلاب اسلامی تهیه و تدوین شده است تا تجربیات این حوزه ثبت و ضبط و به آیندگان منتقل شود. هدف از نگارش این مجموعه مستندسازی تجربیات نهاد پژوهشگاه به عنوان نهاد دانش در بستر تاریخ معاصر ایران در حوزه مدیریت پژوهش است. بر این اساس در این اثر سعی شده است تبیینی از جایگاه این نهاد در سیر تاریخ مدیریت دانش ارائه شود و توصیف و تحلیلی از عملکرد آن ارائه گردد. در این میان عملکرد معاونت پژوهشی به عنوان مهم‌ترین بخش پژوهشی پژوهشگاه مورد تأکید قرار گرفته است تا الگوهای مدیریت پژوهشی آن در هر دوره رصد و تحلیل شود و از طریق بازشناسی روندهای مدیریتی در این حوزه انباشت تجربه حاصل در حوزه مدیریت پژوهشی به مخاطبین ارائه گردد. این امر باعث می‌شود تا الگوهای تکراری و ناموفق یا موفق معرفی و تصویری اجمالی از روند پژوهش و مدیریت پژوهش در پژوهشگاه ارائه شود. در تدوین این اثر از اسناد و مکاتبات پژوهشگاه استفاده شده است که در بایگانی معاونت پژوهشی و پژوهشگاه موجود است. شیوه ارجاع‌دهی نیز بر اساس تاریخ سند و شماره آن در دبیرخانه پژوهشگاه است. اسناد دیگری از

→ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران: بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر بر آن، تهران: رسا.
 ۱. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳)، تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران: داستان یک خانه، داستان یک سرزمین، تهران: نشر نی.

پیشگفتار ۱۱

پژوهشگاه در سایر نهادها و بخصوص آرشیو ملی ایران وجود دارد که جهت تدوین تاریخ نهاد پژوهشگاه می‌تواند مفید واقع شود اما این اسناد اغلب به روند پژوهش و مدیریت پژوهش در پژوهشگاه اشاره ندارند. این اسناد در اثر «اسنادی از بنیاد فرهنگ ایران (۲)» که به کوشش دکتر شهرام یوسفی فرو دکتر علیرضا ملائی توانی به چاپ رسیده^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعه شفاهی نیز در مورد سیر تاریخی این مؤسسه توسط دکتر علیرضا ملائی توانی انجام گرفته که در دست چاپ است و داده‌های ارزشمندی از تاریخ این مؤسسه ارائه کرده است. اما اثر حاضر با تأکید بر اسناد مکتوب به دنبال ارائه تجربه تاریخی معاونت است که در سایر اسناد اطلاعات اندکی از آن وجود دارد.

در انتها باید با تمام تواضع و از صمیم قلب از تمام کسانی که در تدوین این اثر کمک و پشتیبان من بودند، تشکر کنم. از دکتر شهرام یوسفی فر که شروع طرح با ایده ایشان آغاز شد، از دکتر علیرضا ملائی توانی که تلاش بسیاری در به سرانجام رساندن این طرح به کار بستند و اثر حاضر نیز مرهون راهنمایی‌های ایشان است و خود نیز در تدوین این اثر سهم بسیار زیادی دارند. از دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه به دلیل تشویق این طرح، از دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده به خاطر حمایت‌هایشان، از دکتر سید سجاد علم‌الهدی، دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی، آقای مرتضی پور عطایی و همچنین از دوست عزیزم آقای دکتر بهرنگ ذوالفقاری که کمک‌هایش بی‌منت است. در نهایت این اثر را تقدیم می‌کنم به تمام پژوهشگاه که یک خانواده دوست‌داشتنی است.

بهزاد اصغری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳۹۹

۱. یوسفی فر، شهرام، ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۶)، اسنادی از بنیاد فرهنگ ایران (۲)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدمه

این کتاب مجلد دوم تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که بخش مهمی از تحولات این نهاد را پس از ادغام مؤسسه‌های پژوهشی یازده‌گانه روایت کرده است. محور اصلی مباحث این کتاب را رخداد‌های علمی پژوهشگاه، سیاست‌گذاری‌های پژوهشی، نحوه مدیریت علم و نهادسازی دانش شکل داده است. این نوع تحولات عمدتاً در پیوند با معاونت پژوهشی رقم خورده و به همین دلیل هنگامی که میراث علمی و نهادی مؤسسه‌های پژوهشی یازده‌گانه پس از ادغام در سال ۱۳۶۲ به مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی منتقل شد، نیاز بود تا مدیریت‌ها و معاونت‌های پژوهشی مؤسسه‌های یادشده متناسب با ساختار جدید، از نو سازمان‌دهی شود و اقدامات، برنامه‌ها و سیاست‌های پژوهشی نهاد‌های مزبور را در مسیری تازه‌ای متناسب با انتظارات نظام نوپای جمهوری اسلامی هدایت کند؛ اما این فرایند در عمل با دشواری‌های فراوان همراه بود و نشان داد که طراحی یک ساختار تازه از درون ویرانه نهاد‌های ادغام شده تا چه اندازه دشوار است.

به‌طور کلی ایجاد معاونت پژوهشی که بتواند هدایت، راهبری و سیاست‌گذاری پژوهشی را در پژوهشگاه برعهده بگیرد به دلایل زیر بسیار سخت و مخاطره‌آمیز بود: نخست به این دلیل که ترکیب ناهمگن نیروهای برجای مانده از نهاد‌های پیشین عمدتاً نیروی کارمندی محسوب می‌شدند. دو اینکه، پژوهشگران شاخص پس از انقلاب دستخوش تسویه، بازنشستگی و

ترک کشور شده بودند. سوم اینکه راهبردی روشن برای ساماندهی این نوع نهادها در قالب یک موسسه پژوهشی جدید وجود نداشت. چهارم، آمادگی لازم در میان پژوهشگران و نیروهای برجای مانده برای تغییر حوزه‌ها و موضوعات پژوهشی خود متناسب با فضای پس از انقلاب وجود نداشت. پنجم به دلیل زیر سوال رفتن فلسفه وجودی بسیاری از نهادهای پژوهشی پیشین در دوره پس از انقلاب و ششم به دلیل ایجاد تغییرات اساسی در جهت‌گیری فکری و علمی نهادهای یازده‌گانه متناسب با اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی. بنابراین این اثر کوشیده است این پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها را نشان دهد.

این اثر همچنین نشان می‌دهد که مسئولان پژوهشگاه، پژوهشگران، اعضای هیئت علمی و بدنه کارشناسی پژوهشگاه پس از انقلاب چگونه توانسته‌اند بتدریج بر مشکلات برخاسته از ادغام فائق آیند و رفته‌رفته از درون ویرانه‌های نهادهای پیشین بنائی رفیع و با شکوه بسازند و پله پله در راه اصلاح سیاست‌ها و روش‌ها بکوشند و از هر دوره تا دوره بعد به کامیابی‌های علمی درخشانی دست یابند و هویت کنونی پژوهشگاه را شکل دهند.

تاریخ را می‌توان به گونه‌ها و شیوه‌های مختلف روایت کرد. روایت توصیفی موجز و گزارش‌گونه، توصیف فربه و روشمند و سرانجام آمیزه‌ای از تحلیل، توصیف و تبیین. برای اساس این اثر کوشیده است از روش ترکیبی توصیف، تبیین و تحلیل بهره جوید، در نتیجه از ورود به جزئیات رخدادها و بیان نقش و عملکرد اشخاص گوناگون تا آن‌جا که مقدور بوده است خودداری کرده و در عوض بر جریان اصلی تحولات پژوهشگاه که همان فرایندهای دانشی، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های پژوهشی است، تمرکز کرده است. به همین سبب نام بردن از برخی از اشخاص در این اثر به معنای برجسته ساختن نقش و تلاش آن‌ها نیست هر چند ممکن است چنین قضاوتی به نحو‌گزینا پذیری صورت پذیرد اما تاریخ به هرگونه‌ای روایت شود باز جای شکوه و گلایه باقی خواهد ماند و این اقتضای تاریخ‌نگاری نزدیک یا تاریخ‌نگاری پدیده‌ها و نهادهای زنده است.

در این پژوهش از معرفی تفصیلی رئیس‌ان پژوهشگاه و معاونان آن‌ها خودداری و در مقابل بر روند رویدادهای متعارف چنین نهادهای تأکید شده است. چون تلاش برگزیده‌گوئی بوده است طبعاً پاره‌ای از رخدادها از قلم افتاده‌اند که این البته اقتضای دانش است. در تاریخ‌نگاری ناگزیر باید به گزینش رخدادها پرداخت اما هنر بزرگ مورخ آن است که رخدادهای پراکنده و از هم گسسته و بی‌معنا را به هم پیوند دهد و مجموعه‌ای منسجم و معنادار بسازد. ما نیز وقتی در عمق رخدادهای پژوهشگاه علوم انسانی پس از انقلاب غور کنیم به مجموعه‌ای از رویه‌ها و رهیافت‌های متفاوت و متنوع در ساماندهی معاونت پژوهشی پی می‌بریم که روایت تاریخ و قضاوت تاریخی را دشوار می‌سازد.

این اثر اگر هر نقدی بر آن وارد باشد اما از این حسن بزرگ برخوردار است که نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این نهاد و راه رفته و تجربه زیسته آن و نیز شخصیت‌هایی که در درون آن تلاش کرده‌اند را آشکار خواهد کرد. بزرگترین دستاورد این پژوهش است که ما را با جایگاه و عظمت این نهاد و کارکردها و توانمندی‌های آشنا خواهد ساخت و بی‌گمان اعضای کنونی پژوهشگاه از مدیران عالی‌رتبه تا کارشناسان و همه مدیران دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و گردانندگان نهادهای علمی با خواندن آن درس‌ها و تجربه‌های فراوان خواهند آموخت.

البته ما می‌دانیم که نوشتن تاریخ یک نهاد زنده که بسیاری از سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و گردانندگان آن در سطوح مختلف هنوز حضور دارند و در درون این نهاد فعالیت می‌کنند تا چه حد سخت و مخاطره‌آمیز است. هم حجاب معاصر بودن و هم تنگناهای سیاسی ایدئولوژیک و هم زیستن در درون رخدادی که هنوز در حال انکشاف تاریخی است امکان یک روایت بی‌طرفانه را دشوار می‌سازد. در نتیجه این روایت‌گری ممکن است همچون هر روایت تاریخی دیگر با نقص‌ها و کاستی‌های فراوان

همراه باشد و موجب دلخوری شخصیت‌های تأثیرگذار آن را فراهم آورد. به همین سبب عباس اقبال مورخ نامدار ایرانی معتقد بود که باید از وقوع یک رخداد دست‌کم یک صد سال بگذرد تا غبار زمانه فرونشیند و احساسات و جانبداری‌ها فروکش کند تا از آن پس بتوان روایتی دقیق‌تر و عادلانه‌تر از آن رخداد ارائه کرد. هر چند این توصیه اقبال که در یک فضای سیاسی بسته پذیرفتنی بود و راهی برای نجات مورخان از تنگناهای سیاسی و تبدیل شدن به مورخان رسمی می‌گشود اما اکنون عمل به آن توصیه بسیار زیان‌آور است و کشور را از روایت تجربه زیسته نهادها که بخش مهمی از سرگذشت مردمان این سرزمین به آن‌ها گره خورده است باز می‌دارد و مسئله هویت بخشی به نهادها و تعهد سازمانی را به مخاطره می‌افکند و نیز امکان رفع نقص‌ها و کاستی‌هایشان را کاهش می‌دهد و در نهایت، ایرانیان را از سرمایه معنوی و اجتماعی نهادها و سازمان‌ها محروم می‌کند.

خوشبختانه آقای دکتر بهزاد اصغری با وجود همه تنگناها کوشیده است روایتی یک‌دست، منسجم و منصفانه از تاریخ پژوهشگاه به‌ویژه در قلمرو معاونت پژوهشی در سال‌های پس از انقلاب ارائه کند. می‌دانیم که این نوع روایتگری مستلزم فاصله گرفتن از سوژه و نگریستن آن از راه دور است. بنابراین دست یافتن به این توانایی یا همان فاصله معرفتی، موضوعی و زمانی از سوژه زنده معمولاً به سختی رخ می‌دهد اما مخاطبان این اثر با ما هم عقیده خواهند شد که در این اثر این فاصله به شایستگی رخ داده است.

علیرضا ملائی توانی

تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اردیبهشت ۱۳۹۹

فصل اول

دوره سرپرستی مؤسسه احمد فخاری - مهدی حجت

۱۳۶۰ - ۱۳۶۲

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال‌های آغازین پس از انقلاب

انقلاب اسلامی حرکت عظیمی بود که تأثیرات عمیقی بر سرنوشت کشور در سطوح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به جای گذاشت و صورت‌بندی جامعه را کاملاً دگرگون کرد. در این دوره ساختار سیاسی کشور با گذار از دولت موقت در آبان سال ۱۳۵۸ از قدرت کناره گرفت، تا مرداد سال ۱۳۵۹ توسط شورای انقلاب اداره شد. در این دوره اتفاقات مهمی چون اشغال سفارت آمریکا و کودتای نوژه روی داد و در عمل رهبران انقلاب در این سال‌ها در صدد ثبات بخشیدن به ساختار سیاسی و شکل‌دهی به نظام‌های اجرایی و اداری منطبق با آرمان‌های انقلاب برآمدند.

از سال ۱۳۵۹ با افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخاب ریاست جمهوری عملاً کار شورای انقلاب به پایان رسید و بعد از آن قوای مقننه و مجریه شکل گرفتند اما اتفاق ناگوار بزرگی که در این زمان روی داد

۱. داود علی بابائی، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (ازبازرگان تا خاتمی)، تهران: امید فردا، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰.

شروع جنگ تحمیلی ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بود،^۱ این جنگ نظام نوپای انقلابی و ساختارهای اداره کشور را دچار مشکل اساسی کرد. دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی متأثر از این امر اغلب توسط سرپرستانی که برای آن‌ها انتخاب شده بودند، به فعالیت خود ادامه می‌دادند. با عزل رئیس جمهور وقت ابوالحسن بنی‌صدر،^۲ سامان سیاسی کشور با مشکلات تازه‌ای روبه‌رو شد که آثار خود را مستقیم و غیرمستقیم بر مؤسسات مختلفی که تکلیف آن‌ها پس از انقلاب مشخص نشده بود، برجای نهاد.

مهم‌ترین رخدادی که از سال ۱۳۵۹ فضای علمی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد، موضوع انقلاب فرهنگی بود^۳ که به منظور پاکسازی استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها از اندیشه‌های طاغوتی و غربی آغاز شد تا روند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها را تقویت کند. طی فرایند انقلاب فرهنگی به مدت سه سال دانشگاه‌ها تعطیل شد و به دنبال آن بسیاری از نیروهای دانشگاهی تصفیه شدند. یکی از اهداف انقلاب فرهنگی وحدت حوزه و دانشگاه بود و در عمل تلاش می‌شد این دو نهاد به یکدیگر نزدیک شوند. افزون بر تصفیه دانشگاهیان و دانشجویان، در این دوره بازبینی محتوای برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی نیز در دستور کار قرار گرفت. براین اساس تلاش شد تا عناوین درس‌ها مناسب فضای انقلابی در متون درسی بازتاب یابد. از اوایل سال ۱۳۶۳ به تدریج دانشگاه‌ها بازگشایی شدند و با اهداف و سرفصل‌های جدید آغاز به کار کردند. در طی انقلاب فرهنگی بسیاری از کارهای تحقیقاتی

۱. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: سپاه پاسداران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲، صص ۳۰-۴۴.

۲. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۱۲/ ص ۲۵.

۳. نیکی کدی، نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: فقه‌سوس، ۱۳۸۳، ص ۳۲.

نیز به حالت تعلیق درآمد اما بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها بخشی از این تحقیقات ادامه پیدا کرد.

در عرصه آموزش عالی بعد از انقلاب با ادغام دو وزارت فرهنگ و هنر و وزارت علوم و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی تأسیس شد و وظیفه ساماندهی دانشگاه‌های کشور را بر عهده گرفت. در این دوره مسئله برنامه‌ریزی در آموزش عالی و تأسیس دانشگاه آزاد و اسلامی شدن دانشگاه‌ها^۱ از چالش‌هایی بود که آموزش عالی با آن مواجه بود. بر این اساس وزاری که برای این وزارتخانه انتخاب می‌شدند در عمل با چالش‌های زیادی روبه‌رو بودند. پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۵۸ علی شریعتمداری عهده‌دار منصب وزارت بود و پس از ایشان تا سال ۱۳۶۰ حسن حبیبی و سپس حسن عارفی در این سمت مشغول فعالیت شدند. از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ نیز محمدعلی نجفی مسئولیت اداره این وزارتخانه را بر عهده داشت. بعد از تأسیس وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شورای عالی انقلاب فرهنگی به دستور امام خمینی تأسیس شد^۲ و به عنوان نهاد بالادست وزارت علوم قرار گرفت. وزارت علوم در سال ۱۳۶۴ با تفکیک وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز شکل نهایی خود را پیدا کرد و به فعالیت‌های خود در چارچوب قوانین مصوب پرداخت. به صورت کلی شرایط کشور در این دوره با توجه به فضای سال‌های آغازین جنگ که با اشتغال بخش‌های مهمی از کشور توسط دشمن ملتهد به نظر می‌رسید. ساختارهای اجرایی و اداری کشور نیز هنوز سامان مناسبی نداشت و با کمبود بودجه و نیروی انسانی متخصص روبه‌رو بود.

در چنین شرایطی پس از ادغام مؤسسات یازده‌گانه و شکل‌گیری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ابتدا احمد فخاری به سرپرستی مؤسسه

۱. رضا منیعی، مطالعات تطبیقی در نظام آموزش عالی، تهران: آوای نور، ۱۳۹۳، صص ۳۸-۶۷.

۲. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲ / ص ۱۷۷.

انتخاب شد و اداره مؤسسه را تا تصویب اساسنامه مؤسسه در سال ۱۳۶۲ بر عهده گرفت. از اقدامات مؤسسه در این دوره ساماندهی و از سرگیری انجام طرح‌های پژوهشی گروهی بود که انجام آن‌ها در مؤسسات یازده‌گانه پیشین آغاز شده بود. پس از فخاری، نیز مهدی حجت از مدیران دوران انقلاب وظیفه ساماندهی مؤسسه را بر عهده گرفت و با فعال کردن ساختارهای اجرایی مؤسسه از جمله شورای ترفیع و باز طراحی معاونت اجرائی، مؤسسه را در مسیر اصلی خود رهبری کرد.

معاونت پژوهشی در ساختار پژوهشگاه

پس از تشکیل موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ضرورت سامان دادن به فعالیت‌های پژوهشی ایجاب می‌کرد تا هر چه سریعتر معاونت پژوهشی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان مؤسسه راه‌اندازی شود و وظیفه نظارت، هدایت و راهبری پژوهش‌ها را بر عهده گیرد. از این رو در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری این مؤسسه، معاونت تحقیقاتی (پژوهشی) همراه با معاونت اداری و مالی (که در ابتدا معاونت اجرایی نام داشت)، دو رکن اساسی مؤسسه را تشکیل می‌دادند. اما در ابتدای ادغام مؤسسه‌های فرهنگی پیش از انقلاب، به علت خطیر بودن امور اجرائی و اداری، معاونت اجرائی مؤسسه کانون اصلی فعالیت‌های مؤسسه محسوب می‌شد، چنان‌که هیچ انقطاعی در روند فعالیت‌های آن پدید نیامد. اما معاونت تحقیقاتی در برخی از این دوره‌ها علی‌رغم اهمیت و کارکرد آن گاه در محاق قرار گرفت. به همین خاطر فعالیت‌های آن از آغاز تا کنون پیوسته و منسجم نبود. چنان‌که گاه رؤسای مؤسسه بنا به صلاحدید خود از انتخاب معاون تحقیقاتی استنکاف کرده و خود نقش معاون پژوهشی را بر عهده می‌گرفتند.

اگرچه علت و انگیزه این امر مشخص نیست اما می‌توان چنین تصور نمود که رؤسای مؤسسه در ابتدای شکل‌گیری آن به دلیل تعطیلی دانشگاه‌ها و

مؤسسات آموزش عالی و شرایط خاص و حساس انقلاب و جنگ، ناگزیر بودند خود وظیفه راهبری، برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های پژوهشی را مستقیماً بر عهده بگیرند. در عین حال عدم توجه به انتصاب معاون تحقیقاتی نشانگر کم‌اهمیت دانستن علوم انسانی یا بی‌مهری به نوع پژوهش‌های آن بود. توجه ویژه به علوم طبیعی، ریاضی، و فنی موجب شد نه تنها شیوه‌ها و روش‌های آن بر فضای دانش در ایران تسلط یابد بلکه حتی ریاست این مؤسسه نیز بر عهده دانش‌آموختگان همین رشته‌ها سپرده شود. در چنین فضائی به جای اجرای برنامه‌های پژوهشی، تحقیقات علوم انسانی به امری ذوقی تبدیل شد و اولویت‌های کلان و خرد در حوزه پژوهش علوم انسانی به علوم و معارف اسلامی محدود گردید.

با توجه به آنچه گفته شد در بدو تجمیع مؤسسات یازده‌گانه تنها یک نفر به‌عنوان معاون اجرایی (در آن مقطع دکتر علی‌رضا میرزاحمد) منصوب شد^۱ و هیچ کس به‌عنوان معاون تحقیقاتی انتخاب نگردید. یک سال بعد در سال ۱۳۶۱ سرپرست وقت مؤسسه مهدی حجت، دکتر نسرین دخت حکمی^۲ را به‌عنوان نخستین معاون پژوهشی مؤسسه انتخاب کرد ولی این انتخاب چندان دوام نیاورد و در سال ۱۳۶۳ پس از استعفای ایشان، معاون دیگری برای این پست انتخاب نشد. شاید علت استعفای دکتر حکمی ناشی از پیچیدگی امور و دشواری ساماندهی، نهادها و نیروهای بازمانده پیشین در یک ساختار جدید بود که معاون تحقیقاتی وقت را به کناره‌گیری واداشت.

با اتمام دوران سرپرستی دکتر مهدی حجت و انتخاب دکتر محمود بروجردی به‌عنوان رئیس مؤسسه و استعفای معاون تحقیقاتی (دکتر نسرین دخت حکمی)، سیاست عدم تعیین معاون تحقیقاتی از سوی ریاست

۱. پ: مکاتبه شماره ۱۹۵۱ مورخ ۱۳۶۱/۶/۳۱.

۲. پ: مکاتبه شماره ۱۹۵۳ مورخ ۱۳۶۱/۶/۳۱.

مؤسسه دنبال شد، علت این امر آن بود که ریاست مؤسسه معتقد به واگذاری وظایف و اختیارات مؤسسه به تمام اعضای هیئت علمی بود و با انتخاب معاون تحقیقاتی که بر امور اعضای هیئت علمی نظارت داشته باشد، استنکاف می‌ورزید و نقش معاون تحقیقاتی را خود رئیس مؤسسه بر عهده داشت البته این امر گستردگی حوزه وظایف رئیس مؤسسه را موجب شده و در عمل نظارت دقیقی بر فعالیت‌های اعضای هیئت علمی صورت نمی‌گرفت.

سیاست عدم انتخاب معاون تحقیقاتی تا سال ۱۳۷۱ و تا پس از تغییر ریاست مؤسسه و انتخاب دکتر نسرین دخت حکمی به جای دکتر محمود بروجردی ادامه یافت، در این سال دکتر محمد تقی راشد محصل توسط دکتر نسرین دخت حکمی رئیس وقت مؤسسه به عنوان معاون پژوهشی مؤسسه انتخاب شد.^۱ دکتر راشد محصل ابتدا با عنوان معاون پژوهشی و سپس با عنوان معاون تحقیقاتی و در نهایت با عنوان معاون پژوهشی و همکاری‌های بین‌المللی و وظیفه راهبری بخش پژوهش مؤسسه را بر عهده گرفت. از این دوره به بعد انتخاب معاون پژوهشی نظم و نسق یافت و این وضعیت تا سال ۱۳۷۴ که مؤسسه به پژوهشگاه تبدیل شد ادامه پیدا کرد. از سال ۱۳۷۴ که دوره ریاست دکتر مهدی گلشنی آغاز شد، روند فعالیت معاون پژوهشی مجدد دچار وقفه شد و مؤسسه که اکنون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نامیده می‌شد،^۲ همچنان بدون معاون پژوهشی اداره شد.

دکتر مهدی گلشنی اگرچه روندی مشابه با دوران ریاست دکتر محمود بروجردی در عدم انتصاب معاون پژوهشی (تحقیقاتی) در پیش گرفت، اما در عمل نحوه مدیریت پژوهشی متفاوتی را اتخاذ کرد که در تقابل با سیاست واگذاری وظایف و اختیارات به اعضای هیئت علمی قرار داشت که توسط

۱. ا. پ: مکاتبه شماره ۶۰۰ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲.

۲. ا. پ: مکاتبه شماره ۲۲/۱۵۹۲/۲۳۵۹ مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۳.

دکتر بروجردی اعمال می‌شد. دکتر گلشنی معتقد به تمرکز وظایف و اختیارات نزد ریاست مؤسسه بود و از این رو خود نقش معاون پژوهشی را بر عهده گرفت. در این دوران امور پژوهشی توسط مدیر پژوهشی که زیر نظر مستقیم رئیس مؤسسه قرار داشت و سید محمد رضا امیری طهرانی زاده متکفل آن بود، اداره می‌شد.^۱ این در حالی بود که در ساختار معاونت پژوهشی هنوز جایگاه مدیریت پژوهشی تعریف نشده بود. این شرایط تا سال ۱۳۸۰ ادامه پیدا کرد و در این سال دکتر محمد آقا نهاوندیان به عنوان معاون پژوهشی^۲ توسط رئیس وقت پژوهشگاه دکتر گلشنی انتخاب شد. البته این امر نیز دوام چندانی نیاورد و در سال ۱۳۸۳ وقفه دیگری در این روند اتفاق افتاد و مجدداً امور پژوهشی توسط ریاست پژوهشگاه اداره شد.

روند انتصاب و وقفه‌های موجود در سال‌های بعد از انقلاب در انتخاب معاون پژوهشی در سال ۱۳۸۴ به پایان رسید. از این سال انتصاب معاون پژوهشی و مدیر پژوهشی به عنوان دو پست سازمانی موثر در روند امور پژوهشی تثبیت شد و سازوکار اجرایی و اداری آن روند منظم و منسجمی یافت و اهمیت آن بیش از پیش آشکار شد. در سال ۱۳۸۴ دکتر محسن خلیجی توسط دکتر گلشنی^۳ و در دوران ریاست دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، دکتر شهرام یوسفی فرو به دنبال آن در دوران ریاست دکتر صادق آئینه‌وند، دکتر حسینعلی قبادی به عنوان معاون پژوهشی انتخاب شدند. در دوران ریاست دکتر حسینعلی قبادی در پژوهشگاه نیز ابتدا حجت الاسلام سید سجاد علم‌الهدی و سپس دکتر علیرضا ملائی توانی به عنوان معاون پژوهشی به فعالیت پرداختند.

۱. پ: مکاتبه شماره ۱۴۶۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۵.

۲. پ: مکاتبه شماره ۶۵۱۳ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴.

۳. پ: مکاتبه شماره ۶۸۴۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱.

معاونان پژوهشی پژوهشگاه (۱۳۹۸ - ۱۳۶۰)

۲ ۱۳۶۳/۵/۲۴ - ۱۳۶۱/۶/۳۱	فاطمه (نسرین: دخت حکمی) (معاون تحقیقاتی)
۱۳۷۱/۲/۲ - ۱۳۶۳/۵/۲۴	فاقد معاون پژوهشی
۴ ۱۳۷۲/۳/۱ - ۳ ۱۳۷۱/۲/۲	محمد تقی راشد محصل
۶ ۱۳۷۲/۱۰/۱۲ - ۵ ۱۳۷۲/۳/۱	مسعود مهرابی
۸ ۱۳۷۴/۲/۲۴ - ۷ ۱۳۷۲/۱۰/۱۲	محمد تقی راشد محصل
۱۳۷۴/۳/۱۷ - ۹ ۱۳۷۴/۲/۲۴	حمید تنکابنی (سرپرست)
۱۱ ۱۳۷۴/۷/۴ - ۱۰ ۱۳۷۴/۳/۱۷	سید حمید طبیبیان (جانشین موقت معاون پژوهشی)
۱۳۸۰/۱۱/۱۴ - ۱۳۷۴/۷/۴	فاقد معاون پژوهشی
۱۳ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ - ۱۲ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴	محمد آقا نهاوندیان
۱۳۸۴/۱۲/۱۵ - ۱۳۸۳/۱۱/۱۱	فاقد معاون پژوهشی
۱۵ ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ - ۱۴ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵	محسن خلیجی
۱۶ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲	شهرام یوسفی فر
۱۳۹۴/۳/۲ - ۱۷ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸	حسینعلی قبادی
۱۳۹۶/۱۰/۱۶ - ۱۸ ۱۳۹۴/۳/۲	سید سجاد علم الهدی
۱۹ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶	علیرضا ملائی توانی

۲. ا. پ: مکتبه شماره ۳۱۵۸ مورخ ۱۳۶۳/۵/۳۱	۱. ا. پ: مکتبه شماره ۱۹۵۳ مورخ ۱۳۶۱/۶/۳۱
۴. پ: مکتبه شماره ۹۹۷ مورخ ۱۳۷۲/۳/۱	۳. پ: مکتبه شماره ۶۰۰ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲
۶. ا. پ: مکتبه شماره ۳۳ مورخ ۱۳۷۳/۲/۳	۵. پ: مکتبه شماره ۱۰۰۰ مورخ ۱۳۷۲/۳/۱
۸. ا. پ: مکتبه شماره ۹۸۶ مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۴	۷. پ: مکتبه شماره ۵۶۳۳ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱۲
۱۰. ا. پ: مکتبه شماره ۱۶۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷	۹. پ: مکتبه شماره ۹۹۸ مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۴
۱۲. ا. پ: مکتبه شماره ۶۵۱۳ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴	۱۱. پ: مکتبه شماره ۶۰/د، ر مورخ ۱۳۷۴/۷/۴
۱۴. ا. پ: مکتبه شماره ۶۸۴۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱	۱۳. پ: مکتبه شماره ۶۳۶۹ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱
۱۶. ا. پ: مکتبه شماره ۹۵۹۸ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۷	۱۵. ا. پ: مکتبه شماره ۸۱۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸
۱۸. ا. پ: مکتبه شماره ۱۷۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲	۱۷. پ: مکتبه شماره ۹۵۷۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸
	۱۹. ا. پ: مکتبه شماره ۱۰۲۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

اساسنامه و ساختار

پژوهشگاه علوم انسانی پس از انقلاب تدوین چند اساسنامه و تغییر نمودار سازمانی را تجربه کرد که در هر یک از این اساسنامه‌ها به‌طور طبیعی تعریفی متفاوت از وظایف و اهداف این مؤسسه ارائه شده بود. این امر نشان می‌داد که پژوهشگاه (مؤسسه) تاریخ پرفراز و نشیبی را در قالب هماهنگی با نیازهای جدید و روز جامعه از سرگذرانده است. براین اساس هر چند تغییر ساختاری و تشکیلاتی اغلب بنا به درخواست مؤسسه و با تصویب وزارت علوم یا هیئت امنای پژوهشگاه صورت می‌گرفت؛ اساسنامه‌ها و نمودارهای سازمانی این مؤسسه گاه با یکدیگر نا هماهنگ بودند که این امر بیشتر به دلیل نوع نگاه‌های نهادهای فرادستی از جمله وزارت علوم و نیز برآمده از شرایط و پیچیدگی‌ها و مشکلاتی بود که در مسیر تصویب و اجرایی کردن اساسنامه‌ها یا طراحی نمودارهای ساختاری به وجود می‌آمد.

این تغییرات بیشتر به دلیل نیازهایی بود که مؤسسه در مسیر پیشرفت و تحول خود با آن دست به‌گریبان بود. به‌عنوان مثال پس از اجرایی شدن پذیرش دانشجوی مدیریت مؤسسه به‌دنبال ایجاد معاونت آموزشی در چارچوب ساختار پژوهشگاه برآمد و به همین دلیل به تغییر نمودار سازمانی اقدام کرد اما این بخش در نهایت در قالب مدیریت تحصیلات تکمیلی ذیل مجموعه معاونت پژوهشی مورد تایید وزارت علوم قرار گرفت و به پژوهشگاه ابلاغ شد. براین اساس بررسی اساسنامه‌ها و نمودارهای ساختاری پژوهشگاه علاوه بر اینکه تاریخچه مؤسسه و روند رشد یا رکود و همچنین موانع و فرصت‌های پیش‌روی آن را نمایان می‌سازد، می‌تواند نشانگر مسیر پریپیچ و خم پژوهش و تحول نهادهای علوم انسانی در دوران پس از انقلاب نیز باشد.

اساسنامه اول و دوم مؤسسه

پس از ادغام مؤسسات یازده‌گانه و شکل‌گیری مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی نخستین اساسنامه مؤسسه در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱ به تصویب وزیر فرهنگ و آموزش عالی و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسید و ابلاغ گردید. اما این اساسنامه صرفاً به اهداف و وظایف و ارکان مؤسسه اشاره داشت و در آن به بخش‌های مختلف مؤسسه و شرح وظایف آن‌ها اشاره نشده بود. از این رو نیاز به اساسنامه دیگری احساس می‌شد تا وظایف، اهداف و ساختار دقیق مؤسسه مشخص گردد و به همین دلیل اساسنامه دوم مؤسسه در سال ۱۳۶۲ تهیه و ابلاغ گردید.

طبق نخستین اساسنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی اهداف کلی مؤسسه به شرح ذیل تعریف شده بود:

۱. مطالعه و تحقیق در فرهنگ اسلامی؛
۲. شناسانیدن فرهنگ و معارف اسلامی به ملت ایران و سایر ملل جهان؛
۳. مطالعه و تحقیق در فرهنگ‌ها و تمدن‌های سایر ملل و روابط فی مابین آن‌ها؛
۴. تحقیق در زمینه علوم انسانی و مبانی آن به طور اعم؛
۵. مطالعه در زبان ایران به طور اخص و فراهم آوردن زمینه‌های جایگزینی لغات فارسی به جای لغات بیگانه؛
۶. مطالعه و تحقیق در تاریخ اسلام و ایران؛
۷. مطالعه و تحقیق در آثار حکمی و فلسفی به طور اعم و اسلامی به طور اخص.

از لحاظ حقوقی نیز مؤسسه تابع وزارت فرهنگ و آموزش عالی محسوب می‌شد که بودجه آن در بودجه کل کشور در ردیف مستقل ذیل ردیف وزارت

دوره سرپرستی احمد فخاری - مهدی حجت ۲۷

فرهنگ و آموزش عالی قرار می‌گرفت. بر اساس این اساسنامه وظایف مؤسسه نیز شامل موارد زیر بود:

۱. ایجاد زمینه‌ها و فراهم کردن امکانات لازم به منظور تحقق اهداف مؤسسه؛

۲. تالیف و ترجمه هر نوع اثر تحقیقی در زمینه اهداف مؤسسه؛

۳. تهیه اسناد و مدارک و ماخذ لازم برای مطالعه و تحقیق در زمینه اهداف مؤسسه؛

۴. تشویق و ترغیب صاحب‌نظران به انجام تحقیقات در زمینه‌های فرهنگی؛

۵. برگزاری دوره‌ها و مجامع فرهنگی؛

۶. فراهم آوردن امکانات آموزشی و پژوهشی برای علاقمندان در زمینه‌های فعالیت این مؤسسه؛

۷. ارتباط و همکاری با مراجع تحقیقات فرهنگی داخلی و خارجی که به نحوی در زمینه اهداف مؤسسه فعال هستند.

طبق ماده پنج اساسنامه مصوب سال ۱۳۶۰، ارکان مؤسسه عبارت بودند از «شورا» و «رئیس مؤسسه». در این اساسنامه شورای مؤسسه که مرکب از ۹ نفر شخصیت حقیقی و حقوقی بود، در راس هرم سازمانی مؤسسه قرار می‌گرفت و وظیفه بررسی و تصویب برنامه‌ها و فعالیت‌های مؤسسه، آئین‌نامه‌ها، بودجه و دیگر موارد لازم جهت اداره مؤسسه را بر عهده داشت. اعضای این شورا که به مدت دو سال انتخاب می‌شدند شامل افراد زیر بودند:

۱. معاونین حفظ و احیای میراث فرهنگی و پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛

۲. یک نفر صاحب‌نظر در مسائل فرهنگی به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛

۳. دو نفر صاحب نظر به پیشنهاد حوزه علمی قم و حکم وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛
 ۴. دو نفر صاحب نظر به پیشنهاد رؤسای دانشگاه‌های کشور و با حکم وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛
 ۵. رئیس مؤسسه و رئیس مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
بر اساس این اساسنامه اختیارات و وظائف شورای مؤسسه نیز عبارت بود از:
 ۱. بررسی و تصویب برنامه و فعالیت‌های فرهنگی که از طریق رئیس مؤسسه یا سه نفر از اعضای شورا پیشنهاد می‌گردد؛
 ۲. تصویب آئین‌نامه‌های داخلی مؤسسه؛
 ۳. پیشنهاد تغییر مواد و یا اصلاح اساسنامه به وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛
 ۴. تصویب بودجه سالانه و پیشنهاد آن به مراجع ذیربط؛
 ۵. اتخاذ تصمیم در مورد نحوه استفاده و هزینه هدایا و کمک‌های مالی که افراد حقیقی یا حقوقی به مؤسسه می‌نمایند؛
 ۶. اتخاذ تصمیم درباره سایر اموری که رئیس مؤسسه بنا به ضرورت در شورای مؤسسه مطرح می‌کند.
- در این اساسنامه رئیس مؤسسه که از سوی وزیر فرهنگ و آموزش عالی به این سمت منصوب می‌شد، وظایف زیر را بر عهده داشت:
۱. نظارت بر حسن اجرای اساسنامه، آئین‌نامه‌ها و مصوبات شورا؛
 ۲. تهیه و تدارک وسائل و تجهیزات لازم برای اجرای برنامه‌ها؛
 ۳. عزل و نصب مدیران مسئول مؤسسه؛

۴. برقراری ارتباط شورای مؤسسه با وزارت فرهنگ و آموزش عالی و واحدهای تابعه؛
۵. پیشنهاد تشکیل جلسات فوق‌العاده شورای مؤسسه؛
۶. امضاء کلیه قراردادها و اسناد و مدارک حقوقی و مالی و افتتاح حساب در بانک‌ها و معرفی امضاءهای مجاز و اجازه پرداخت در حدود مقررات مربوط و بودجه مصوب؛
۷. تهیه بودجه و برنامه‌های سالانه مؤسسه و پیشنهاد آن به شورا؛
۸. تهیه گزارشات مربوط به میزان و نحوه پیشرفت کار و ارائه آن به شورا؛
۹. استیفاء حقوق مؤسسه و اقامه دعوی و غیره؛
۱۰. اجرای سایر وظایف محوله از طرف وزیر فرهنگ و آموزش عالی.^۱

آنچه جهت‌گیری این اساسنامه را شکل می‌داد، تأکید بر مطالعه و تحقیق در فرهنگ و معارف اسلامی بود که متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی خاص دوران پس از انقلاب بود. با توجه به همین رسالت است که عنوان مطالعات و تحقیقات فرهنگی برای مؤسسه در نظر گرفته شد. البته مؤسسه در این دوران وظیفه مطالعه و تحقیق در فرهنگ‌ها و تمدن‌های سایر ملل را نیز بر عهده داشت که این امر در راستای وظایف فرهنگی مؤسسات ادغام شده از جمله مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، مرکز اسناد فرهنگی آسیا و ... قابل تفسیر است. بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، اهداف و وظایفی که برای مؤسسه در نظر گرفته شد هم برگرفته از کارکرد مؤسسات ادغام شده در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و هم برآمده از آرمان انقلاب اسلامی بود. از همین رو بسیار طبیعی بود که اهداف جدید منجر به تغییر رویکردها و گرایش‌های مؤسسه در قیاس با نهادهای ادغام شده، شود. براین اساس گرچه

۱. ا. پ: اساسنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، شماره ۲۲/۶۳۹۸ مورخ ۱۳۶۱/۶/۱.

در اساسنامه به تحقیق در زمینه علوم انسانی و مبانی آن و مطالعه و تحقیق در آثار حکمی و فلسفی اشاره شده بود اما این موارد در اولویت‌های بعدی این مؤسسه قرار داشت.^۱

در اساسنامه دوم مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی که در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و توسط وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی دکتر محمدعلی نجفی ابلاغ شد. نیز اهداف کلی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تغییر چندانی پیدا نکرد^۲ اما در ساختار اداری این مؤسسه، دو معاونت با عناوین اداری و مالی و تحقیقاتی تعریف شد. در این اساسنامه معاونت تحقیقاتی بخش‌های مختلفی از جمله ویراستاری، انتشارات، مرکز اطلاعات و اسناد پژوهشی و همچنین اعضای هیئت علمی را در بر می‌گرفت و معاونت اداری و مالی شامل بخش‌هایی چون اداره کارگزینی و رفاه کارکنان، اداره خدمات تدارکات و ذیحسابی می‌شد.^۳

نخستین گام‌ها در مسیر ساماندهی طرح‌های پژوهشی مؤسسه

بر اساس آماري که از طرح‌های نیمه تمام مؤسسات یازده‌گانه پیش از انقلاب اسلامی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهیه شده است، فرهنگستان زبان ایران با ۱۶۸ طرح پژوهشی نیمه تمام بیشترین تعداد طرح‌های متوقف شده را در بین این مؤسسات به خود اختصاص داده بود. پس از آن نیز بنیاد شاهنامه با ۳۱ طرح، مرکز اسناد فرهنگی آسیا با ۲۷ طرح، بنیاد فرهنگ ایران با ۲۲ طرح به زبان فارسی و ۱ طرح به زبان انگلیسی، پژوهشگاه علوم انسانی با ۱۱ طرح، پژوهشکده علوم ارتباطی با ۶ طرح به زبان فارسی و ۱ طرح به زبان انگلیسی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها با ۱۲ طرح، فرهنگستان ادب و

۱. پ: اساسنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اردیبهشت ماه ۱۳۶۲.

۲. همان.

۳. همان.